

گفت و گوی صبا با امیر اسکندری کارگردان فیلم «داستان سیاوش»

اقتباس در بزرگراه گمشده سینما

اقتباس، حلقه گمشده سینمای ایران... تا چه حد باید به این جمله باور داشت؟ آیا سینمای ایران همواره از مقوله اقتباس روگردان بوده؟ دست کم پاسخ این پرسش منفی است. چه داریوش مهرجویی، رگوردار اقتباس در سینمای ایران، آثار متعددی را برگرفته از متون ادبیات داستانی، به ویژه داستان نویسی مدرن در کشور محسوب می شود. هر چند گستره کار مهرجویی تنها به ادبیات ایرانی محدود نیست و برای نمونه او فیلم «پری» را براساس داستان کوتاه «یک روز خوش برای موز ماهی» به قلم جی. دی. سالینجر، نویسنده برجسته فقید ایالات متحده، مقابل دوربین برد. یا «سارا» دیگر ساخته مهرجویی به سال ۱۳۷۱ اثری برگرفته از نمایشنامه «خانه عروسک‌ها» به قلم هنریک ایبسن، نمایشنامه نویس صاحب سبک و پر آوازه قرن نوزدهم نروژ محسوب می شد. گذشته از آثار داریوش مهرجویی اما سینمای ایران کمتر به مقوله اقتباس وقعی می نهد. این در حالی است که در بعد ادبیات باستانی و کلاسیک، ایران فرهنگ روایی مکتوبی غنی دارد. حتی افسانه های فولکلور که با روایت سینه به سینه گام به قرن بیستم گذاشتند نیز، درونمایه ای پر مغز و معنا دارند. شاهنامه حکیم طوس، به یقین از برجسته ترین حماسه های تاریخ بشری محسوب می شود و حتی کشور های همسایه از آن اقتباس هایی داشته اند. به همین ترتیب می توان به آثار سعدی، حافظ، عمر خیام، عبید زاکانی و... اشاره کرد که جملگی امتیاز تبدیل به آثار سینمایی در هر زمینه ای (سینمای مستند، سینمای کوتاه، بلند و حتی پویانمایی) را دارند. در این شماره اما با امیر اسکندری، کارگردان فیلم «داستان سیاوش» که گفته می شود بر اساس داستان بلند «بوف کور» به قلم صادق هدایت ساخته شده، هم کلام شدیم. صحبت در باب این اثر و اقتباس در سینمای ایران، چکیده اصلی مصاحبه ما بود.

یاسر سماوات
گفت و گو

«بوف کور» نوشته صادق هدایت، به زعم برخی کارشناسان، تاریخ ادبیات داستانی معاصر ایران را به دو بخش کلی (قبل از انتشار بوف کور و بعد از آن) تقسیم کرد. پس اینجا ما با رمان بسیار خاصی سر و کار داریم. دلیل انتخاب این داستان که در قالب کلی سورئال به رشته تحریر درآمده (و البته به نظر من نمونه بارز رئالیسم جادویی در آثار داستانی معاصر ایران است) چه بود؟

به یقین اولین دلیل من برای انتخاب داستان «بوف کور» ارزش بالای این اثر آن هم از بعد بین المللی بود. همانطور که مستحضرید «بوف کور» یکی از بهترین آثار در قالب سورئال در تاریخ ادبیات داستانی جهان محسوب می شود. حتی گفته می شد دیوید لینچ فیلم «بزرگراه گمشده» را براساس این داستان ساخته است.

شما خودتان این موضوع را که لینچ «بزرگراه گمشده» را از روی داستان هدایت نوشته، قبول دارید؟

ببینید این موضوع را خود لینچ رده کرده است و هیچوقت قبول نکرد که فیلمش براساس یک داستان ساخته شده باشد و خود کارگردان در این زمینه بهترین نظر را می تواند بدهد.

پس فقط به دلیل غنای فنی و محتوایی «بوف کور» این اثر را دستمایه ساخت فیلم «داستان سیاوش» قرار دادید؟

خب تنها این موضوع نبود. از آنجا که مطالعه در حوزه روانشناسی یکی از کارهای مورد علاقه من محسوب می شود، علاقه بسیار زیادی به این گونه آثار دارم، همین علاقه هم مزید بر علت شد تا با نگاهی به داستان معروف صادق هدایت، این فیلم را تولید کنیم.

با وجود این دلایل و حرف هایی که زدیم، به نظر فیلم «داستان سیاوش» تنها گوشه نگاهی به «بوف کور» داشته و اگر بخواهیم از منظر فرمیک و حتی محتوایی آن را نقد کنیم، نمی توان به ضرس قاطع گفت فیلم شما اقتباسی از اثر برجسته هدایت است. این را قبول دارید؟

دقیقا! همینطور است. ببینید من هرگز نگفتم فیلم من اقتباسی است. اقتباس چارچوب خاصی دارد و بنابر مولفه هایش می توان گفت آیفیلیمی براساس رمانی یا داستان یا نمایشنامه و شعری حماسه ساخته شده یا خیر. حتی گاه ممکن است نام یک کتاب روی یک فیلم سینمایی باشد اما آن فیلم ارتباطی با کتاب نداشته باشد. در فیلم «داستان سیاوش» نیز ما با نگاهی آزاد به «بوف کور» کار را آغاز کردیم و به پایان رساندیم. بگذارید همه چیز را در یک جمله ساده شده بگویم. «داستان سیاوش» در واقع ادای دینی به «بوف کور» صادق هدایت است. کتابی که یکی از معروف ترین آثار ادبیات داستانی جهان است و از آثار مورد علاقه من نیز محسوب می شود.

اقتباس از آثار برجسته ادبیات داستانی، جایگاه بسیار ویژه ای در جهان دارد. همانطور که دیدید «در جبهه غرب خبری نیست» نیز اثری اقتباسی بود اما امسال برگزیده بهترین فیلم بین المللی جایزه آکادمی اسکار شد. پس اگر بیشتر به اقتباس بپردازیم، سینمای موفق تری خواهیم داشت.

ببینید در همین فیلمی که مثال می زنید هم باز همه چیز منطبق

بر رمان اریش مار یا رمارک نیست و این فیلم نیز با نگاهی به آن کتاب برجسته ساخته شده است. پس اقتباس انواع گوناگون هم دارد که باید به آن ها توجه کنیم.

گذشته از هدایت، به کدام اثر از نویسندگان ادبیات داستانی ایران و جهان علاقه دارید؟

پیش تر گفتم به مطالعه آثار روانشناسی علاقه زیادی دارم. از طرفی من دانش آموخته فلسفه و هنر هستم و مدرک ارشد فلسفه و ارشد پژوهش هنر را هم دریافت کرده ام. به این ترتیب حوزه مطالعات حرفه ای من ادبیات داستانی نبوده اما به علت تاثیر گذاری برخی داستان نویسان برجسته روی فلسفه مانند، به خواندن آثار آن ها ترغیب شدم. همانطور که می دانید برای نمونه فرانتس کافکا تاثیر ملموسی روی فلسفه عصر خود گذاشت و من شیفته بسیاری از آثار این نویسنده برجسته از جمله داستان بلند معروفش، «مسخ» هستم.

اگر اجازه دهید برگردیم به موضوع فیلم. خب من با ماجرای «داستان سیاوش» آشنا هستم اما اگر ممکن است، کمی درباره داستان فیلم توضیح بفرمایید. البته طوری که داستان لو نرود!

خب داستان مربوط به ماجرای دختری است که سال ها پیش پدرش به دلیل قتل مادرش دستگیر و اعدام شده است. حالا سال ها از آن ماجرا گذشته اما سوال های متعددی در ذهن دختری که به بلوغ فکری رسیده است ایجاد می شود... در حالی که او با سوالات متعددی که برایش ایجاد شده دست و پنجه نرم می کند، عمه دختر برای اینکه به او کمک کند، آخرین داستانی را که پدرش نوشته (پدر دختر داستان نویس بود) به او می دهد و دختر با خواندن داستان و رمز گشایی از تطابق آن با واقعیت، راه تازه ای برای یافتن پاسخ سوالاتش پیدا می کند.

عجب! پس روایت فیلم خطی نیست و در واقع ما با اثری که چند خط روایی دارد و اصطلاحا داستان در داستان است مواجهیم. درست است؟

ببینید ماجرای فیلم حول محور سه داستان خلاصه می شود. بخش اول که همان نگاه ما به داستان بوف کور را در بر می گیرد. در بخش دوم با هسته مرکزی اصلی داستان مواجه می شویم. بخش دیگر هم به پیگیری ماجرای داستان پس از وارد شدن آخرین نوشته پدر نویسنده اختصاص دارد.